

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



تهران "واحد پرند"

پایان نامه

برای دریافت مدرک کارشناسی ارشد

در رشته جامعه شناسی

گروه علمی علوم انسانی

عنوان:

بررسی رابطه ساختار توزیع قدرت در خانواده و عزت نفس زنان

(مطالعه موردی: زنان متأهل ۲۰ تا ۵۵ ساله شهر شیراز)

الهه افتخاریان

استاد راهنما:

دکتر حلیمه عنایت

استاد مشاور:

دکتر شهناز صداقت زادگان

بهمن ۱۳۸۹

شماره :
تاریخ :
پیوست :



دانشگاه پیام نور
دانشگاه پیام نور استان تهران



تجیح علوم انسانی

صور تجلسه‌ی دفاع از پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد

جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد خاتمه / آقای دانشجوی رشته
.....

تحت عنوان:

بررسی رابطه ساختار توزیع قدرت در خانواده و عزت نفس زنان
(مطالعه موردی: زنان شاغل ۲۰ تا ۵۵ ساله شهر شیراز)

جلسه دفاع با حضور داوران نامبرده ذیل در روز مورخ ساعت در محل ساختمان
تحصیلات تکمیلی برگزار شد و پس از بررسی پایان نامه مذکور با نمره به عدد ۱۹.۵ به حروف و با
درجه مورد قبول واقع شد نشد

اعضاء هیات داوران:

ردیف	سمت	نام و نام خانوادگی	مرتبۀ علمی	امضاء
۱	استاد راهنما	حلیه عنایت	دانشیار	
۲	استاد مشاور	شماره صلات زارمان	استاد ار	
۳	استاد مشاور			
۴	استاد داور	پررانه دانش		
۵	استاد داور			
۶	نماینده تحصیلات تکمیلی	مسار حلیه		

پایان نامه نیاز به اصلاحات دارد / ندارد

اینجانب الهه افتخاریان دانشجوی ورودی سال ۱۳۸۶ مقطع کارشناسی ارشد رشته جامع شناسی گواهی می‌نمایم چنانچه در پایان نامه خود از فکر، ایده و نوشته دیگری بهره گرفته‌ام با نقل قول مستقیم یا غیر مستقیم منبع و مأخذ آن را نیز در جای مناسب ذکر کرده‌ام. بدیهی است مسئولیت تمامی مطالبی که نقل قول دیگران نباشد بر عهده خویش می‌دانم و جوابگوی آن خواهم بود.

نام و نام خانوادگی دانشجو
تاریخ و امضاء

اینجانب الهه افتخاریان دانشجوی ورودی سال ۱۳۸۶ مقطع کارشناسی ارشد رشته جامع شناسی گواهی می‌نمایم چنانچه براساس مطالب پایان نامه خود اقدام به انتشار مقاله، کتاب و ... نمایم ضمن مطلع نمودن استاد راهنما، با نظر ایشان نسبت به نشر مقاله، کتاب، و ... و به صورت مشترک و با ذکر نام استاد راهنما مبادرت نمایم.

نام و نام خانوادگی دانشجو
تاریخ و امضاء

کلیه حقوق مادی مترتب از نتایج مطالعات، آزمایشات و نوآوری ناشی از تحقیق موضوع این پایان-نامه متعلق به دانشگاه پیام نور می‌باشد.

بهمن ماه ۱۳۸۹

تقدیم به:

پدر دلسوز و مادر مهربانم

و همهٔ پدر و مادرانی که برای عزت فرزندانشان پایدار و مقاوم ایستاده اند.

سپاسگزاری

سپاس خدای را که به انسان آموخت آنچه را که نمی دانست.

لازم می دانم از استاد گرانقدرم، سرکار خانم دکتر حلیمه عنایت که در تمام مراحل این تحقیق از کمک های همیشگی، دلسوزانه و راهگشایشان دریغ نکردند، صمیمانه تشکر کنم. همچنین از استاد گرامی سرکار خانم دکتر شهناز صداقت زادگان استاد مشاور و جناب آقای دکتر مجید موحد استاد محترم دانشگاه شیراز که راهنمائیهای ایشان راهگشای مشکلاتم در این تحقیق بود، کمال تشکر و قدردانی را دارم. شایسته است از دوست گرامی ام، سرکار خانم مریم حسینی که در همه مراحل از کمک های بی دریغشان نیز بهره بردم، تشکر کنم.

و در آخر از خانواده، اطرافیان و همه دوستانی که در تمام این مدت با همدلی هایشان سختی های این کار را آسان نمودند، تشکر می کنم.

چکیده

بررسی رابطه ساختار توزیع قدرت در خانواده و عزت نفس زنان

(مطالعه موردی: زنان متأهل ۵۵- ۲۰ ساله شهر شیراز)

به وسیله:

الهه افتخاریان

این مطالعه با هدف بررسی رابطه بین ساختار توزیع قدرت در خانواده و عزت نفس زنان انجام شده است. این مطالعه که به روش پیمایش صورت گرفته است ۴۰۰ نفر از زنان ۲۰ تا ۵۵ سال ساکن شهر شیراز مورد بررسی قرار گرفتند، چارچوب نظری در این مطالعه نظریه منابع بلود و وولف و نظریه کنش متقابل نمادین است. نتایج این مطالعه در بخش توصیفی حاکی از این است که ۷۰/۵ درصد از زنان، خانه دار و بقیه شاغل بوده اند و از لحاظ سواد و تحصیلات، ۶۹/۸ درصد، دیپلم و بالاتر بوده اند. نتایج این تحقیق نشان داد که از بین متغیرهای مورد مطالعه، نوع شغل زن، تحصیل زن، همسر، پدر، مادر، رشته تحصیلی، محل تولد، میزان استفاده از رسانه های جمعی، چگونگی ساخت قدرت در خانواده و شیوه اعمال قدرت و حوزه قدرت (شیوه تصمیم گیری) در خانواده و محل تولد با عزت نفس رابطه معنی داری وجود دارد.

واژگان کلیدی: ساختار قدرت، خانواده، عزت نفس، زنان

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
فصل اول؛ کلیات تحقیق	
۲	۱-۱- مقدمه
۴	۲-۱- بیان مسأله تحقیق
۸	۳-۱- سوال های اساسی تحقیق
۸	۴-۱- ضرورت و اهمیت تحقیق
۹	۵-۱- اهداف تحقیق
فصل دوم؛ مبانی نظری و پیشینه تحقیق	
۱۱	۱-۲- مروری بر تحقیقات داخلی و خارجی
۱۱	۲-۱-۱- تحقیقات داخلی
۱۸	۲-۱-۲- تحقیقات خارجی
۲۴	۲-۱-۳- نقد پژوهش های پیشین
۲۵	۲-۲- مبانی نظری تحقیق
۴۳	۲-۲-۱- چارچوب نظری تحقیق
۴۳	۲-۲-۲- فرضیات تحقیق
۴۵	۲-۲-۳- مدل نظری تحقیق
فصل سوم؛ روش تحقیق	
۴۷	۳-۱- روش تحقیق
۴۷	۳-۲- جامعه آماری تحقیق
۴۷	۳-۳- روش نمونه گیری
۴۸	۳-۴- حجم نمونه
۴۸	۳-۵- ابزار جمع آوری اطلاعات
۴۹	۳-۶- اعتبار و پایایی ابزار سنجش

- ۳-۷- روش تجزیه و تحلیل اطلاعات ۴۹
- ۳-۸- تعریف عملیاتی متغیرها ۵۰

فصل چهارم؛ یافته‌های تحقیق

- ۴-۱- مقدمه ۵۳
- ۴-۲- آمار توصیفی ۵۳
- ۴-۳- آمار استنباطی ۷۵

فصل پنجم؛ جمع بندی و نتیجه گیری و ارائه پیشنهادات

- ۵-۱- نتیجه گیری ۹۰
- ۵-۲- بحث ۹۳
- ۵-۳- محدودیت‌های تحقیق ۹۴
- ۵-۴- پیشنهادات تحقیق ۹۵
- منابع و مأخذ ۹۶
- منابع فارسی ۹۶
- منابع لاتین ۱۰۱
- پیوستها ۱۰۶

فهرست جداول

عنوان	صفحه
جدول ۳-۱- نتیجه آزمون پایایی هر طیف به روش آلفای کرونباخ.....	۴۹
جدول ۴-۲-۱- توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان برحسب سن.....	۵۳
جدول ۴-۲-۲- توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان برحسب سن همسر.....	۵۴
جدول ۴-۲-۳- توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان برحسب سن ازدواج.....	۵۵
جدول ۴-۲-۴- توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان برحسب مدت ازدواج.....	۵۵
جدول ۴-۲-۵- توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان برحسب فرزند چندم خانواده بودن..	۵۶
جدول ۴-۲-۶- جدول توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان برحسب نوع شغل زن.....	۵۶
جدول ۴-۲-۷- جدول توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان برحسب درآمد زن.....	۵۷
جدول ۴-۲-۸- جدول توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان برحسب نوع شغل مرد.....	۵۸
جدول ۴-۲-۹- جدول توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان برحسب درآمد همسر.....	۵۸
جدول ۴-۲-۱۰- جدول توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان برحسب میزان تحصیلات..	۵۹
جدول ۴-۲-۱۱- جدول توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان برحسب میزان تحصیلات همسر.....	۶۰
جدول ۴-۲-۱۲- جدول توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان برحسب میزان تحصیلات پدر.....	۶۰
جدول ۴-۲-۱۳- جدول توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان برحسب میزان تحصیلات..	۶۱
جدول ۴-۲-۱۴- جدول توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان برحسب محل تولد.....	۶۱
جدول ۴-۲-۱۵- جدول توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان برحسب اینکه بیشتر عمر خود را کجا سپری کرده اند.....	۶۲
جدول ۴-۲-۱۶- جدول توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان برحسب قومیت.....	۶۲
جدول ۴-۲-۱۷- جدول توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان برحسب رشته تحصیلی.....	۶۳
جدول ۴-۲-۱۸- توزیع درصد فراوانی پاسخ ها برحسب میزان استفاده از رسانه های جمعی..	۶۴
جدول ۴-۲-۱۹- توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان برحسب میزان استفاده از رسانه های جمعی.....	۶۵

- جدول ۴-۱-۲۰- توزیع درصد فراوانی پاسخ ها برحسب حوزه قدرت در خانواده ۶۶
- جدول ۴-۲-۲۱- توزیع درصد فراوانی پاسخ ها برحسب شیوه اعمال قدرت در خانواده.. ۶۹
- جدول ۴-۲-۲۲- توزیع درصد فراوانی پاسخ ها برحسب ساخت قدرت ۷۱
- جدول ۴-۲-۲۳- توزیع درصد فراوانی پاسخ ها بر حسب میزان عزت نفس..... ۷۳
- جدول ۴-۲-۲۴- توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان بر حسب میزان عزت نفس..... ۷۴
- جدول ۴-۳-۱- آزمون رابطه بین سن پاسخگویان و عزت نفس ۷۵
- جدول ۴-۳-۲- آزمون رابطه بین سن همسر و عزت نفس..... ۷۵
- جدول ۴-۳-۳- آزمون رابطه بین سن ازدواج و عزت نفس..... ۷۶
- جدول ۴-۳-۴- آزمون رابطه بین مدت ازدواج و عزت نفس..... ۷۶
- جدول ۴-۳-۵- آزمون رابطه بین فرزند چندم بودن و عزت نفس ۷۶
- جدول ۴-۳-۶- آزمون رابطه بین عزت نفس برحسب نوع شغل زنان..... ۷۷
- جدول ۴-۳-۷- آزمون رابطه بین درآمد زنان و عزت نفس ۷۸
- جدول ۴-۳-۸- آزمون رابطه بین عزت نفس برحسب نوع شغل همسر پاسخگویان..... ۷۸
- جدول ۴-۳-۹- آزمون رابطه بین درآمد همسر و عزت نفس ۷۹
- جدول ۴-۳-۱۰- آزمون رابطه بین تحصیلات زنان و عزت نفس ۷۹
- جدول ۴-۳-۱۱- آزمون رابطه بین تحصیلات همسر و عزت نفس..... ۸۰
- جدول ۴-۳-۱۲- آزمون رابطه بین تحصیلات پدر و عزت نفس..... ۸۰
- جدول ۴-۳-۱۳- آزمون رابطه بین تحصیلات مادر و عزت نفس..... ۸۱
- جدول ۴-۳-۱۴- آزمون رابطه بین عزت نفس و رشته تحصیلی ۸۱
- جدول ۴-۳-۱۵- آزمون رابطه بین محل تولد و عزت نفس ۸۲
- جدول ۴-۳-۱۶- آزمون رابطه بین محل گذراندن بیشتر دوره عمر ۸۳
- جدول ۴-۳-۱۷- آزمون رابطه بین قومیت و عزت نفس ۸۴
- جدول ۴-۳-۱۸- آزمون رابطه بین میزان استفاده از رسانه ها و عزت نفس ۸۴
- جدول ۴-۳-۱۹- آزمون رابطه بین حوزه قدرت در خانواده و عزت نفس..... ۸۵
- جدول ۴-۳-۲۰- آزمون رابطه بین چگونگی ساخت قدرت و عزت نفس..... ۸۶
- جدول ۴-۳-۲۱- آزمون رابطه بین شیوه اعمال قدرت در خانواده و عزت نفس..... ۸۶
- جدول ۴-۳-۲۲- تحلیل چند متغیره گام به گام برای پیش بینی متغیر وابسته..... ۸۷

فصل اول

کلیات تحقیق

۱- کلیات تحقیق

۱-۱- مقدمه

"خود" انسان متعالی ترین بخش وجودی اوست که اگر نادیده گرفته شود انحطاط شخص و در نهایت جامعه را در پی خواهد داشت. ارزش دادن به "خود" و شناخت "خود" مهمترین سرمایه‌ای است که انسان می‌تواند آن را کسب کند و تا پایان عمر به همراه داشته باشد. خانواده مهمترین گروه نخستین است که شخص در درون آن موجودیت یافته و برای زندگی اجتماعی آمادگی‌های لازم را کسب می‌کند.

خانواده و پایه‌های اصلی آن، پدر و مادر، از مهمترین عواملی هستند که نقش بسیار مهمی در تأمین سلامت جسمی و روانی فرزندان ایفا می‌کنند. یکی از فاکتورهای مهم سلامت روان که شاید کمتر به آن توجه می‌شود و نادیده انگاشتنش جریان جامعه‌پذیری و سلامت روان فرزندان را دچار مخاطره

می‌سازد، مسأله عزت نفس^۱ است. در عزت نفس خود شخص مورد تمرکز و توجه قرار می‌گیرد. خانواده از جمله محیط‌هایی است که خود و احترام به خود در آن به وجود می‌آید، شکل می‌گیرد و به کمال می‌رسد. در اینجا به تعاریفی پیرامون خود و عزت نفس می‌پردازیم:

خود درعین حال که پدیده‌ای فردی و شخصی است، در خلأ ساخته نمی‌شود بلکه محل ساخت خود، فرآیند کنش متقابلی است که با دیگران انجام می‌گیرد. خود دو جنبه ادراک شده و ادراک کننده دارد. به جنبه ادراک شده خود، پنداره و به جنبه ادراک کننده خود، آگاهی می‌گویند. خود پنداره به مجموعه باورها و احساسات فرد درباره خود گفته می‌شود و در صورت مثبت بودن تصور خود، شخص دارای سلامت روانی است و اگر خود پنداری شخص نامتعادل و منفی باشد از لحاظ روانی ناسالم شناخته می‌شود (عبداللهی نسب، ۱۳۸۳).

مفهوم خود عبارت از مجموعه‌ای از عقیده‌های فرد درباره خودش است که مبنایش بیشتر توصیف است تا قضاوت. عزت نفس عبارت از ابعاد ارزشی و مؤثر مفهوم شخص از خود یا خود پنداری است و به ارزیابی شخص از خصوصیاتش اطلاق می‌شود. به عبارت دیگر، عزت نفس عبارت است از خود ارزشمند دانستن یا تصویری که شخص از خود دارد (ماسن و دیگران، ۱۳۷۹: ۴۱۳).

¹ self-esteem

عزت نفس دو جنبه وابسته به هم دارد که عبارت است از:

- احترام به خود (احساس ارزشمندی): آگاهی کودک در جریان رشد و کسب آگاهی از قدرت خویش در انتخاب اعمالش. در کنار احساس شخصیت کردن نیازمند این است که شخص خویشتن را در مقام یک انسان درست و موجه بداند و از لحاظ رفتار و روش و اعتقاد بپذیرد که انسان خوب و شایسته ای است.

- اعتماد به نفس (احساس سودمندی): انسان در صورتی به سودمندی در راه شناخت هدایت می شود و به آگاهی می رسد که خود را به شناخت متعهد بداند. اما هرچه که انسان در بیدار و هشیار کردن هدف و خود آگاهی دچار شکست شود به همان میزان از استدلال دور مانده و نتیجه آن بی فایده کردن نیروی شناخت است. انسان نیاز دارد به خود احترام بگذارد چون برای رسیدن به ارزش ها نیاز دارد دست به عمل بزند (ستوده، ۱۳۷۶: ۲۶۹).

ستوده در کتاب روانشناسی اجتماعی احساس شخصی نسبت به خود در شرایط زمانی و مکانی مختلف را اینگونه بیان می کند:

۱- تنفراز خود: نشانه افراد با عزت نفس کم احساس حقارت و عدم دوست داشتنی بودن، داشتن انتظارات غیر منطقی از خود، انتقاد همیشگی از خود، هراس از موقعیت های اجتماعی، انتظار شکست کشیدن، خیلی زود دلسرد شدن، خواستار همیشه در حاشیه بودن، حساس بودن در مقابل انتقاد و در نهایت اینکه خلاقیت آنها در مسیر فراهم ساختن امکان شکست حذف می شود.

۲- شک و تردید درباره خود: افرادی که نسبت به خود با شک و تردید برخورد می کنند از عزت نفس متوسطی برخوردارند و دارای ویژگی هایی اینچنینند: به خود شک می کنند، خوشبینند، انتقاد پذیرند، به علت نیاز به تأیید اجتماعی تمایل به تطبیق خود با دیگران داشته و آنها را قبول می کنند. عدم مخاطره جویی و احساس نیاز به تأیید بیرونی برای برطرف کردن شک و تردید خود، از دیگر خصوصیات این افراد است. مسأله اصلی این افراد، عدم اطمینان است.

۳- تأیید خود: چنین افرادی اساساً به خود اعتماد دارند و این مسأله به آنها اجازه می دهد که با تمام وجود از مسایل استقبال نموده و ابراز وجود نمایند و برای خود عزت و اعتبار زیادی قایلند و این امر به آنها شجاعت مقابله با تهدیدها و ایستادگی در مقابل آنها را می دهد. چنین اشخاصی انتقاد را پذیرفته، ناکامیها را تحمل کرده، گوشه گیر و تنها نبوده و از نظر جسمی سالمند. نسبت به زندگی نگرش مثبت داشته و از زندگی لذت می برند. با وجود آگاهی از نقاط ضعف و قدرت خود، از خود انتقاد نمی کنند (همان، ۱۳۷۶: ۲۶۹).

رفتار والدین با یکدیگر در شکل گیری عزت نفس در خانواده تأثیر بسزایی دارد. مادر در درون خانواده عنصر اساسی پرورش فرزندان است و اگر از این مهم بی بهره باشد قادر به انتقال آن به فرزندان نخواهد بود. یکی از عواملی که عزت نفس زنان را تحت تأثیر قرار می دهد، چگونگی رابطه با همسر در درون خانواده است.

قدرت، مسأله ای است که وجود آن در هر جامعه و در هر زمان از تاریخ غیر قابل انکار است و در تمام ساختار های کلان و خرد حاکم بوده و خانواده از حضور این مسأله در خود، استثناء نیست. با توجه به جامعه پدر سالار ایران و قدمت موضوع قدرت ضرورت پرداختن به آن در درون خانواده به عنوان اصل اساسی جامعه انکار ناپذیر است. در این تحقیق سعی بر این است که چگونگی و میزان تأثیر قدرت بر خانواده سنجیده شود.

۱-۲- بیان مسأله تحقیق

عزت نفس عبارت است از ابعاد ارزشی و مؤثر مفهوم شخص از خود یا خود پنداری^۱. به تعبیر دیگر، می توان عزت نفس را عبارت از احترام به خود، خودارزشمند دانستن یا تصویری که شخص از خودش دارد، تعریف کرد (ماسن و دیگران، ۱۳۷۹: ۴۱۳). بیابانگرد در کتاب خود عزت نفس را «ارزیابی هایی که فرد از خود می کند، همچنین درجه تصویب، تأیید، پذیرش و ارزشمندی می داند که شخص نسبت به خود احساس می کند» (بیابانگرد، ۱۳۷۲: ۷۷-۷۶). یکی از مهمترین عوامل تعدیل کننده فشارروانی- اجتماعی، پدیده ای به نام عزت نفس است. عواملی چون، روابط خانوادگی، تعامل های اجتماعی، موفقیت تحصیلی، تصور بدنی و احساس خود ارزشمندی، بر عزت نفس فرد تأثیر گذاشته و میزان اهمیت این زمینه ها تحت تأثیر تفاوت های فردی و رشد فرد تغییر می کند (آشوری، ۱۳۷۵: ۵).

از دیگر عوامل مؤثر در سلامت جسمانی فرد، پیوند افراد خانواده و رعایت احترام متقابل یکدیگر است آنچنانکه تعیین کننده چگونگی شکل گیری الگوهای رفتاری فرد در بزرگ سالی شده و امنیت خاطر و عزت نفس را برای او در پی دارد. در اصل، آینده و تقدیر کودکان و نوجوانان بسته به شرایط خانوادگی است (همان).

عزت نفس پیامد احترام به حقوق یکدیگر در خانواده است که همه افراد خانواده را در بر می گیرد. بالا بودن عزت نفس در مادر، عزت نفس فرزندان را به دنبال دارد.

¹ - self-concept

به نظری رسد که از مهمترین عوامل مرتبط با عزت نفس، نوع رفتار والدین با کودک می باشد. بدین معنا که والدینی که به شیوه دموکراتیک با فرزندان خود رفتار می کنند، فرزندان با عزت نفس بالا و والدینی که به شیوه استبدادی رفتار می نمایند، فرزندان با عزت نفس پائین پرورش می دهند (آشوری، ۱۳۷۵: ۷).

کالهن، وارون و کورفیس^۱ دو مفهوم خود و عزت نفس را از یکدیگر جدا دانسته و خود پنداری را پدیده ای یادگرفتنی دانسته که از ادراکات، مشتق شده از تجاربمان ظاهر می شود و تعریفش بدین قرار است: نحوه ادراک فرد از خود، رفتار خود و نگرش نسبت به کیفیت انگاره های دیگران، به عبارتی دیگر خود پنداره مجموعه ویژگی هایی است که فرد برای توصیف خویش به کار می برد و عزت نفس عبارت است از خشنودی فرد نسبت به خود پنداره خویش و همچنین ارزشی که اطلاعات درون خود پنداره برای فرد دارد و ناشی از اعتقادات فرد در مورد تمام صفات و ویژگی هایی که در او هست، می شود (به نقل از خرمنی، ۱۳۷۹).

تعریف کوپراسمیت^۲ (۱۹۶۷) عزت نفس احساس ارزشمندی نسبت به توانایی های خود می باشد (کوپر اسمیت، ۱۹۶۷). والد و بلکر عزت نفس را شامل احساس خوب داشتن درباره خود، دوست داشته شدن و رفتار خوب دیگران با او، احساس موفقیت و احساس توانایی و راحتی در رهبری و تأثیر گذاشتن بر دیگران، تعریف می کنند (به نقل از ستوده، ۱۳۶۷: ۲۶۸).

به نظری رسد که نقش مادر در عزت نفس کودکان، نقشی محوریست. در صورت سالم بودن رابطه مادر- فرزند (وجود این احساس در کودک که مادر توانایی درک احساسها و نیازهای او را دارد و می تواند به سرعت نسبت به او واکنش نشان دهد)، شکل گیری احساس مثبت در درون کودک در مورد خود و توانایی برقراری روابط شخصی صمیمی در بزرگسالی، را برای وی به همراه دارد (شیهان، ۱۳۸۳: ۱۳-۱۱).

در علم جامعه شناسی، خانواده کوچکترین و بنیادی ترین گروه اجتماعی است که در شکل بنیادین خود از یک زن و مرد و فرزندان آنها تشکیل می شود و شکل، نوع، و حدود روابط این افراد، ساختار خانواده را شکل می دهد. فرایند توسعه صنعتی، اجتماعی و سیاسی، ساختار سنتی روابط خانوادگی را به سستی کشانده و در این میان تحولات صنعتی، تأثیری انکارناپذیر بر تغییر نقش های سنتی زنان داشته است. این تحولات نقش جنسیتی، با شروع در سده نوزدهم در اروپا و آمیختگی با جنبش های حقوق زنان در اوایل سده بیستم، نهایتاً به تغییر وضع زنان، چه در عرصه خانوادگی و چه

^۱ - Calhoun, Warron and Kurfiss

^۲ - Coopersmith

در عرصه عمومی، انجامید و یکی از بارزترین پی آمدهای آن، تحول روابط سنتی اقتدار در خانواده بود (گروسی، ۱۳۸۷: ۸). خانواده از جایگاه رفیعی در حیات اجتماعی برخوردار است چرا که از یک سو نخستین گروهی است که از آن برمی خیزیم و در درون آن با دنیا آشنا می شویم و از سوی دیگر، بیشترین تأثیر را بر کودک که دوران اولیه رمی گذراند وارد می سازد و این تأثیر تا پایان، حیات پایایی دارد. سوم آنکه از روزنه حیات اجتماعی هرگز جامعه‌ای به سلامت دست نمی‌یابد، مگر آنکه از خانواده‌هایی سالم برخوردار باشد (ساروخانی، ۱۳۸۴: ۳۲).

با توجه به قدمت مسأله قدرت، تعاریف زیادی از آن وجود دارد. گیدنز در تعریف قدرت بر این اعتقاد است: "قدرت پدیده‌ای همیشگی در زندگی اجتماعی است. در همه گروه‌های انسانی بعضی افراد اقتدار را نفوذ بیشتری از دیگران دارند و خود گروه‌ها نیز از نظر میزان قدرتشان با یکدیگر فرق می‌کند (گیدنز، ۱۳۷۴: ۲۱۷). به زعم وبر "قدرت توانایی انسان یا گروهی از انسانها برای تحقق بخشیدن به اراده‌شان در یک کنش جمعی است" (وبر، ۱۳۷۴: ۱۳۹). بنابراین تعاریف کلاسیک، قدرت عمدتاً ناشی از افراد (غالباً مردان) یا گروهی از افراد از جمله هیأت حاکم و نوع توانایی خاص اقناعی یا اجباری در تحمیل اراده غالب بصورت آگاهانه است (لوکس، ۱۹۷۴: ۲۳۵-۲۳۴). هابز، راسل، دال و پارسونز از نظریه پردازانی هستند که قدرت را عبارت از وادار کردن ب از سوی الف به کاری مطابق با میل الف می‌دانند (دیویس، ۱۹۹۱: ۷).

یکی از حوزه‌های کاربرد مفهوم قدرت در گروه‌های کوچک، در حوزه خانواده است. بسیاری از محققین، توافقی بر روی مفهوم قدرت در خانواده ندارند، لیکن صرف نظر از اختلافات موجود، "وجه تصمیم‌گیری" به نمایندگی از مفهوم قدرت در خانواده را (آبوت^۱ ۱۹۹۳ و ایسوان^۲ ۱۹۹۱) به کار برده‌اند. وقتی که می‌پرسیم چه کسی اعمال قدرت می‌کند، این امر متوجه تصمیم‌گیری‌ها در خانواده است (اولسون^۳، ۱۹۶۹) (به نقل از مهدوی، ۱۳۸۲: ۳۱).

در بررسی توزیع قدرت در خانواده، اکثر دیدگاه‌های جامعه‌شناختی و نظریه‌های فمینیستی، سهم زنان از قدرت را ناچیز قلمداد می‌کنند و اغلب آنان را در بند جبرگرایی ساختاری و هنجاری می‌دانند، چنین تحویلی این پیام ضمنی را دارد که زنان در ساختار قدرت خانگی منفعل هستند و در تصمیم‌گیری‌ها و کنترل بر امور زندگی نقش مؤثری ندارند در حالیکه به رغم وجود عدم تقارن در ساختار قدرت خانواده، با توجه به خصیصه دو جانبه بودن قدرت همواره روش‌های بیشماری

¹ - About
² - Isvan
³ - Olson

وجود دارد که افراد فاقد قدرت حتی در موقعیت هایی که روابط قدرت به صورت پایدار و نهادینه جاری است از آنها در کنترل برزندگی خود استفاده کنند. در واقع قدرت به معنای اعمال مستقیم کنترل نیست و با شیوه‌های مبهم و نامحسوس و پنهانی نیز صورت می‌گیرد (دیویس^۱، ۱۹۹۱: ۷۳).

جامعه ایرانی چندین سده است که تحولاتی مثل صنعتی شدن و افول پدرسالاری را در ارتباط با زنان گذرانده است (به نقل از امامی، ۱۳۸۳: ۱) نخستین دگرگونی در نقش زنان در قرن نوزدهم میلادی در اروپا پدیدارگشت. به طور کلی، این دگرگونیها، از یک سو، بر آگاهی زنان نسبت به توانایی ها و نقش زن در خانواده و جامعه گردید. با توجه به این دگرگونیها و تحولات در الگوهای زندگی جوامع شهری و ورود زنان به اجتماع در امر اشتغال، موجب تغییر و تحول در نگرش افراد در توزیع نقشها و به تبع آن توزیع قدرت در خانواده شده است که چگونگی کم و کیف توزیع و نحوه اعمال قدرت در شکل گیری و رشد شخصیت افراد، اجتماعی شدن و فرزندان، عزت نفس، انسجام خانواده و حتی احساس رضایت و احساس بیگانگی، تنهایی و خوشبختی زناشویی اثر می‌گذارد (به نقل از مهدوی و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۹).

اگرچه خانواده نهاد مستقلی است، اما باید در نظر گرفت که زن و مرد هر کدام به عنوان اعضاء جامعه، بسته به اینکه با چه عواملی سرو کار دارند و به عبارت دیگر چه منابعی در اختیار دارند، نحوه اعمال قدرت، پذیرش قدرت، تصمیم گیری، تصمیم پذیری شان متفاوت است. این تحقیق درصدد است با کمک گرفتن از نظریات جامعه شناسی، ساختار قدرت در خانواده را تبیین، و میزان تأثیرش بر عزت نفس زنان را اندازه گیری و به طور کلی رابطه این دو را از لحاظ معنی داری بررسی کند. با توجه به مطالب گفته شده، زنان نقشی بسزا در ایجاد و حفظ مقوله عزت نفس در فرزندان ایفا می‌کنند؛ این نقش از سنین آغازین تولد فرزند شروع شده و تا زمانی که فرزند از خانواده جدا شده و به صورت مستقل زندگی جدیدی را آغاز کند، ادامه می‌یابد. زنان در جامعه ایران، در سنین مختلف این مسوولیت خطیر را بر عهده دارند که اگر به طور متوسط در نظر بگیریم سنین ۲۰-۵۵ سال را شامل می‌شود و به همین منظور این رده سنی به عنوان نمونه انتخاب شده است.

انتظار می‌رود که تغییر و تحولاتی که در دهه های گذشته در جامعه اتفاق افتاده بر توزیع ساختار قدرت در خانواده و همچنین عزت نفس زنان شهر شیراز به عنوان مرکز استان فارس و یکی از مراکز شهری پیشرفته در سطح جامعه ایران، اثر گذاشته باشد. علاوه بر این، در دسترس بودن نمونه مورد مطالعه، عامل دیگری جهت انتخاب شهر شیراز به عنوان جامعه آماری می‌باشد.

¹ - Davis

۱-۳- سؤال‌های اساسی تحقیق

- ۱- آیا توزیع ساختار قدرت در خانواده بر عزت نفس زنان تأثیر دارد؟
- ۲- کدامیک از عوامل اقتصادی- اجتماعی بر عزت نفس زنان در خانواده تأثیر دارد؟
- ۳- کدامیک از عوامل جمعیتی بر عزت نفس زنان در خانواده تأثیر دارد؟

۱-۴- ضرورت و اهمیت تحقیق

بهداشت روانی والدین موجب بروز پدیده خلّاقیت در کودکان و نوجوانان شده و در نهایت افرادی را وارد جامعه می‌کند که از لحاظ فکری به رشد کامل رسیده و نه تنها قادر است مشکلات خود را از پیش رو بردارد، بلکه با دیدگاهی انتقادی به جامعه توانایی ساخت جامعه‌ای رو به پیشرفت را داراست، عزت نفس از فاکتورهای اساسی شکل‌گیری چنین شخصیتی است که از والدین سرچشمه گرفته و به فرزندان منتقل می‌شود. برخورداری در تحقیق، خود با در همین زمینه اینگونه می‌نویسد: «والدین می‌توانند از طریق تشویق، بازخورد مثبت، ارتباطات و تعاملات مناسب، و میدان عمل دادن به کودکان برای بیان عقاید و بروز خلّاقیت‌ها به رشد عزت نفس، استقلال، خود کارآمدی، خود تصمیم‌گیری، خود فراگیری، خود اندیشی و تأمل که همگی از ویژگی‌های فرد متفکر انتقادی است در آنها ایجاد نمایند» (برخورداری و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۶). «عزت نفس باعث می‌شود تا افراد مهارت‌های خود را پرورش دهند و بدین ترتیب در توسعه و پیشرفت کشورشان سهیم شوند. تحقیقات نشان می‌دهد کسانی که عزت نفس خوبی دارند، توانایی و استعداد‌های خود را بهتر به کار می‌گیرند.» (راضی، ۱۳۸۹: ۱۶).

داشتن عزت نفس سالم یک نیاز اساسی انسان است و ما پیوسته برای رسیدن به آن تلاش می‌کنیم. با این حال، مردم هیچگاه به خود انگاره‌ای مثبت نمی‌رسند و تا ابد زندگی‌شان، بر اثر قرار گرفتن در معرض شکست‌های پی در پی سرشار از ناراحتی است. بنابراین حس ارزشمندی و اعتماد بنفس و عزت نفس قوی به عنوان سرمایه‌ای ارزشمند و حیاتی برای انسانها، به ویژه زنان، به حساب می‌آید (شیهان، ۱۳۸۳: ۷).

قدرت متغیر اجتماعی مهمی است که در بررسی هر ساختار اجتماعی، نهاد، گروه و حتی روابط مرسوم بین افراد باید مورد توجه قرار گیرد و خانواده نیز از این قاعده مستثنی نیست و می‌توان نوع روابط قدرت را در آن مورد بررسی قرارداد (گروسی، ۱۳۸۷: ۹). قدرت و احراز آن پدیده‌ای تاریخی است که همواره هم در عمل و هم در اندیشه مطرح بوده است. به تعبیری می‌توان گفت، قدرت

جزئی لاینفک از حیات بشری است که در جامعه و به تبع آن، در همه ارکان اجتماعی، از جمله خانواده مطرح است (ساروخانی، ۱۳۸۴: ۳۰).

خانواده از آن رو اهمیت دارد که نخستین نهاد اجتماعی است که با آن روبرو می شویم و ازدرونی حیات اجتماعی را تجربه و آغاز می کنیم. خانواده به تعبیر کلودلوی استروس، موجبات برخورد فرهنگ و طبیعت را فراهم می آورد. در طول تاریخ مشخص شده است که هر زمان خانواده دچار آسیب شده است، هرگز نمی توان انتظار جامعه ای سالم را داشت (همان، ۳۱). اهمیت خاص مفهوم خانواده را باید در وظیفه متعادل کننده آن در اجتماع و سیعتر جستجو کرد. خانواده، فرد را به ساخت اجتماعی بزرگتر ربط می دهد و اجتماع فقط زمانی به حیات خود ادامه می دهد که خواسته ها و نیازهای آن چون نیازه تولید و توزیع غذا، حمایت از نوجوانان و پیران و ضعفا، قبول قانون و اجتماعی کردن نوجوانان و غیره برآورده شود، اجتماع هنگامی پایدار خواهد ماند که انگیزه افزایش برآوردن احتیاجات آن جامعه باشد (گود، ۱۳۵۹: ۲۲).

خانواده اساسی ترین گروه جامعه است که در عین کوچک بودن، تمام زیر ساخت های جامعه به دست اعضای آن بنا می شود. افراد از درون خانواده یاد می گیرند که چگونه با ساختار های بزرگتر، تعامل داشته باشند. خانواده اساسی ترین اصول مورد نیاز برای زندگی اجتماعی که احترام به حقوق یکدیگر، تساوی و مشارکت است را می تواند در فرزندان درونی کند. ناگفته پیداست که اگر ستون های خانواده که متشکل از پدر و مادر هستند خود این اصول را در خانواده به کار نبرند، فرزندان خلاف این اصول را آموخته و در زندگی آینده خود پیاده خواهند کرد و در این صورت، جامعه ای که قدرت و زور در آن حرف اول را می زند دور از ذهن نخواهد بود.

۱-۵- اهداف تحقیق

- ۱- بررسی تأثیر توزیع ساختار قدرت در خانواده بر عزت نفس زنان.
- ۲- بررسی تأثیر عوامل اقتصادی- اجتماعی بر عزت نفس زنان.
- ۳- بررسی تأثیر عوامل جمعیتی بر عزت نفس زنان.